**( 13 )**

**صحیفة الله المهیمن القیوم**

**هو الشاهد من افقه الاعلی**

کتاب انزله المظلوم و ما اراد منه الا لیجذب به افئدة العباد الی الله فی المآب و یهدیهم الی الافق الاعلی و یعلمهم سبیل الرشاد طوبی لمن سرع الی مرضات الله و نطق بما نطق به لسان العظمة اذ استوی علی العرش بقدرة و سلطان قد خضعت الرقاب لرب الارباب و لکن القوم فی نوم عجاب قد اظهرنا ما کان مکنونا فی العلم طوبی لمن شهد و رأی ویل لکل غافل کفار انا ذکرناک و انزلنا لک لوحا یشهد امام وجوه العالم انه لا اله الا هو الفرد الواحد المختار اشکر الله بهذا الفضل الاعظم انه ذکرک بما لا ینقطع عرفه فی القرون و الاعصار البهآء من لدن مالک الاسمآء علی الذین فازوا بالاستقامة الکبری فی هذا الامر الذی به زلت الاقدام

از لغت تازی بلغت پارسی توجه نمودیم ندای مظلوم را بشنو بصر را بینائی تازه بخشد و نفس را آگاهی و حیات سرمدی عنایت فرماید نامه شما رسید و در ساحت امنع اقدس عرض شد ندایت را شنیدیم و نامه ات را دیدیم لله الحمد بانوار نیر محبت الهی منور و مزین مشاهده گشت از حق میطلبیم از السن محبین سلسبیل بیان جاری فرماید تا کل از ان آب لطیف روحانی بزندگانی ابدی فائز گردند آب بیان را نفوذ و تصرفیست که اکثر اهل عالم از عرفانش عاجز مشاهده میشوند اینست ان آبی که میفرماید و من المآء کل شیء حی از حق میطلبیم قلوب عباد را بنور معرفت منور فرماید و ارکان را قوت بخشد بشأنیکه شوکت معتدین وسطوت ظالمین او را ضعیف ننماید بقوت و قدرت الهی کتاب را اخذ نماید و باو تمسک جوید حروفات کلمه و کلمات کتاب لا زال لدی المظلوم مذکور بوده و هستند طوبی لکم یا ابنآء الخلیل و وراث الکلیم قد فزتم بما لا فاز به اکثر علمآء عصری هنیئا لکم بما شربتم رحیق العنایة من ایادی عطآء ربکم المعطی الکریم ابشروا بما غفرلکم الله فی هذ الحین و طهرکم عن العصیان و من بعد نوصیکم بتقوی الله و حفظ ما اوتیتم من عنده انه هو التواب الغفور الرحیم

یا ابن نصیر جناب عزیز الله علیه بهآئی مکرر ذکر دوستان مرو را نموده انا ذکرنا الذین فازوا بانوار العرفان بذکر طارت به الارواح یشهد بذلک من عنده ام الکتاب ارض سجن هر یوم بلونی ظاهر اگر در ارسال الواح توقف رود نظربظلم ظالمین و انقلاب این ارض بوده و هست و همچنین کثرت عرایض که از اطراف میرسد انا نرید ان نذکر اولیآئی هناک لیفرحوا بعنایة الله رب العالمین

یا اسمعیل قد حضر اسمک لدی المظلوم و اظهرنا لک من خزآئن قلم الرحمن لئالی الحکمة و البیان لتنظر و تکون من الشاکرین هذا یوم فیه نصبت رایة البرهان علی اعلی المقام و علم العرفان علی البقعة النورآء فی شاطی عمان علم الله مقصود العارفین

و نذکر من سمی بموسی لیشهد بما شهد الله انه لا اله الا هو الفرد الخبیر ایاک ان تمنعک حوادث العالم عن الاسم الاعظم او تحجبک شبهات الغافلین عن صراطی المستقیم طوبی لک بما اقبلت الی المظلوم اذ اعرض عنه کل ظالم بعید و کل عالم مریب

یا عزیزالله اذا شربت رحیق الوحی من کأس عطآئی و اجتذبک ندآئی الاحلی الی ملکوت بیانی " قل الهی الهی هل یقدر الضعیف ان یذکر ظهورات قدرتک و هل یستطیع الکلیل ان یصف مشارق بیانک اسئلک بالقدرة التی خضعت عند ظهورها الکآئنات و بعلمک الذی احاط علی الممکنات و بحلاوة بیانک و اقتدار ارادتک ان تجعلنی ثابتا علی امرک و مستقیما علی حکمک انک انت المقتدر العزیز المنان "

یا رحمةالله قد سبقت رحمة ربک من فی السموات و الارض و احاط فضله علی من فی ملکوت الامر و الخلق یفعل ما یشآء و یحکم ما یرید و هو المقتدر العزیز العلام قل " لک الحمد یا الهی بما هدیتنی الی صراطک و انزلت لی فی سجنک الاعظم ما قرت به العیون اسئلک یا سابغ النعم و مربی الامم باسمک الاعظم ان تقدر لی ما یقربنی الیک و ینفعنی فی عوالمک انک انت المقتدر القدیر "

یا الیاس انظر ثم اذکر اذ ارسلنا الکلیم بآیات بینات اعرض عنه العباد الی ان نصرناه امرا من عندنا ان ربک هو ناصر المرسلین قد غلبت عصاه اسیاف فرعون و ملأه ان ربک هو القوی الغالب العلیم الحکیم

یا رحیم قل یا ملأ الارض قد اتی الوعد و ظهر المکنون بسلطان عظیم ضعوا ما عندکم و خذوا ما اوتیتم من لدی الله مالک یوم الدین قد اتی المیقات و سلطان الآیات استوی علی العرش و دعا الکل الی العزیز الحمید قد فزت باثر قلمی الاعلی هذا من فضل الله رب العرش العظیم

یا رحیم انظر ثم اذکر اذ قصد الکلیم المقصد الاقصی و الذروة العلیا الی ان بلغ الوادی الایمن و سمع الندآء من سدرة الابهی انه لا اله الا انا المنزل القدیم انا ارسلناه الی فرعون و ملأه و ورد علیه فی سبیلی ما ناح به اهل ملکوتی و لکن القوم اکثرهم من الغافلین طوبی لک بما فزت بانوار الیوم و اقبلت الی الله العزیز العظیم

یا ابن یعقوب سطع النور و اضآء الدیجور و ارتفعت الصیحة و نزلت المآئدة و القوم فی خسران مبین نبذوا حقوق الله ورآئهم بما اتبعوا کل شیطان رجیم ایاک ان تمنعک شبهات الامم عن مشرق آیات ربک المشفق الکریم سوف یاتیکم ناعق دعوه بنفسه متوکلین علی الله رب الکرسی الرفیع کذلک انزلنا الآیات و ارسلناها الیک لتشکر ربک العلیم الخبیر

یا ابن مهدی الحمد لله دوستان الهی فائز شدند بانچه که شبه و مثل نداشته امروز عرفان هر نفسی باید بدرجه بلوغ فائز شود و خود را غنی و مستغنی از اهل عالم مشاهده نماید کل الیوم باید بافق توحید ناظر باشند بعضی از اهل بیان اختلاف را دوست داشته و دارند منتظرند عجلی ظاهر شود تا عباد بیچاره را بان دعوت نمایند بگو ظهورات منتهی شد هر نفسی قبل از اتمام الف سنة ادعا نماید هر که باشد و هر چه بیاورد باطل بوده و هست حمد کن مقصود عالمرا که ترا تأیید فرمود و راه نمود اوست مقتدر و توانا یا ابن دوست محمد معنی استقامت آنکه ناس آگاه شوند و بیقین مبین بدانند که بعد از ظهور اعظم بظهوری محتاج نبوده و نیستند نقطه اولی یعنی مبشر جمال کبریا ناس را بشارت داد تا قلوب را پاک سازند و مهیا نمایند و قبل از اتمام امر علمای ایران بر قتلش فتوی دادند و شهیدش نمودند و بعد نیر اعظم کشف حجاب نمود و عالم امر و خلق بظهورش کامل و محکم انچه مقصود بود ظاهر شد اگر موهومی یافت شود و ادعائی نماید انه کذاب مفتر هر نفسی باینمقام فائز او از اهل استقامت کبری از قلم مذکور و مسطور بگو ای اولیای الهی بعضی از نفوس سست عنصر مشاهده میشوند بمجرد استماع حرفی از موهومی از صراط می لغزند ناعقین از یکسمت و مدعیهای کذبه از سمت دیگر ظاهر شده و میشوند طوبی لقوی اضعفهم و لمستقیم اطردهم و لناصح نصحهم چه که سبب فساد عالم و خسران امم‌اند نسئل الله ان یحفظکم و اولیآئه من شرهم و مکرهم انه هو المقتدر القدیر از حق میطلبیم ترا تأیید فرماید بر ذکر و ثنا و خدمت امرش اوست سامع و اوست مجیب یا خدا داد

یا ابن نصیر نفوس مذکوره هر یک بذکر مظلوم فائز و بانوار نیر بیان مزین و منور از حق میطلبیم هر یک را در عالم روح نجمی دری مقرر فرماید و در عالم علم کتابی و در مدینه عشاق جوهر حبی و در اقلیم عرفان دفتر ایقان انه علی کل شیء قدیر لا اله الا هو الفرد الواحد العزیز الحمید

( الهی الهی هؤلآء عبادک و خلقک و فی قبضة قدرتک محاطون بمشیتک و ارادتک ان تغفر لهم انک انت مالک ازمة الغفران و ان تعذبهم انک انت المختار فی کل الاحوال اسئلک یا مولی العالم بالنون و القلم و اسرار اسمک الاعظم ان تجذب افئدة عبادک من نفحات بیانک الی الذروة العلیا و مشرق آیاتک یا مولی الوری و مالک الآخرة و الاولی )